

خبر

سیدشهاب‌الدین حسین‌پور:

گالیله، ادای دینی به استاد سمندریان

شهاب‌الدین حسین‌پور که کارگردانی نمایش «گالیله» را برعهده دارد، اجرای این اثر را ادای دینی به حمید سمندریان می‌داند که هرگز نتوانست آن را روی صحنه ببرد. او با انتقاد از اداره کل هنرهای نمایشی به دلیل حمایت‌نکردن مالی از نمایش خود، گفت: برای اجرای «گالیله» از چند سال پیش تا امروز ۵۰۰ میلیون تومان هزینه کرده‌ام. او به ایلنا گفت:من در عرصه تئاتر سال‌ها شاگرد استاد سمندریان بودم. قبل از اینکه وارد دانشگاه هنر شوم و در زمینه تئاتر تحصیل کنم، در رشته مهندسی درس می‌خواندم. در زمان تحصیل بود که با آموزشگاه استاد سمندریان آشنا شدم. بعد هم از رشته مهندسی انصراف دادم. مجدد در کنکور شرکت کردم و رشته هنرهای نمایشی را انتخاب کردم. حسین‌پور ادامه داد: در آن سال‌ها و در رشته هنر مرحله وجود وجود داشت که کار را سخت می‌کرد. پس از قبولی در کنکور هم مرحله دیگری وجود داشت که مصاحبه بود و بسیار هم تعیین‌کننده بود. به هر حال در کلاس‌های استاد سمندریان بود که متوجه علاقه ایشان به متن «گالیله» شدم. در ادامه بود که خودم به سراغ نمایش‌نامه «گالیله» رتم و آن را مطالعه کردم. در آن سال‌ها شاید خیلی درک درستی از متن نداشتم؛ اما به هر حال محتوای اثر برای من بسیار حائز اهمیت بود و در همان مقطع بارها آن را خواندم و ارزیابی کردم. زمانی که جلوتر رفتم، به اهمیت محتوای اثر پی بردم. زمانی که متوجه شدم استاد سمندریان متن «گالیله» را بسیار دوست دارند و آرزوی‌شان اجرای آن است، روی صحنه بردن آن آرزوی من هم شد. دوست داشتم ایشان بتوانند «گالیله» را روی صحنه بپرند و من هم گوشه کار باشم و چیزی یاد بگیرم. اوگفت: قبول دارم که ریسک کرده‌ام و البته می‌دانستم که درصدا این ریسک بالاست. تا توجه به نگاهم به متن. می‌دانستم می‌خواهم چه کنم و قرار است چه اتفاقی بیفتد. خلاصه بعد از اینکه آقای سمندریان از دنیا رفتند و نتوانستند «گالیله» را روی صحنه بپرند. من در مراسم خاک‌سپاری، به ایشان و خودم قول دادم که بالاخره یک روزی این اثر را به یاد ایشان اجرا کنم. آن روز در ذهن من ماند و متن و شکل و شرایط و محتوای آن را بارها مرور کردم. از آن زمان تا به امروز چندین سال می‌گذرد. حسین‌پور خاطرنشان کرد: اولین قرارداد ما در این زمینه سالان ۱۳۸۸ با سالن اصلی تئاتر شهر بود. من همان زمان هم این مکان را برای اجرا انتخاب کردم، چون استاد نیز سالن اصلی تئاتر شهر را در نظر داشتند. براساس این قرارداد، قرار بود «گالیله» را در اول خردادماه سال ۱۳۹۹ روی صحنه ببریم. فروردین سال ۹۸ بود که با استاد آقای محمد امیر یاراحمدی، دراماتورژ گروه‌مان، جلساتی برگزار کردیم. صحبت‌های من با ایشان شاید به صد جلسه هم رسیده باشد. در این مدت خوانش‌های مختلفی از متن داشتیم و ایده‌های مختلف را ارزیابی‌س کردیم. این رویه تا آذرماه سال ۱۳۹۹ ادامه یافت. لازم می‌دانم بگویم یکی از خوشحالی‌های من مصاحبت با یکی از بهترین دراماتورژهای ایران محمد امیر یاراحمدی است. او گفت: ما می‌خواستیم اثر به سمت «گروتسک» برود و از تازدی فاصله بگیریم. آنهایی که متن را می‌شناسند، متوجه می‌شوند که ما چه کرده‌ایم. رسالت اثر را حفظ کردیم. اما در دراماتورژی چند هدف داشتیم. تصمیم من این بود که کار «گروتسک» باشد و به سمت طنز تلخ برود (دراین‌باره بعدا صحبت خواهیم کرد). در اولین خوانش متوجه شدم که با یک نمایش چهارساعته از طرف هشتم و مخاطب تحمل این مدت‌زمان را ندارد. درست است که نمایش‌نامه «گالیله» خیلی وسوسه‌برانگیز است، ولی مملو از شعار است. به هر حال این اثر متعلق به دوره‌ای است که زیاده‌گویی و شعار مرسوم بوده است.

یادداشت

سیاست حقیقت در برابر سیاست پسا حقیقت

۳. سیاست پسا حقیقت بیماری مُسری زمانه است. نگاهی به اخبار انتخابات در چهار گوشه جهان نشان می‌دهد سیاست پسا حقیقت چگونه دارد دولتی جهانی بر پی می‌کند. سیاست پسا حقیقت به جای عین واقعیت و عواطف مثبت، عواطف و احساسات منفی مردم را برمی‌انگیزد. برتری طلبی، خود شیفتگی، غرور، عظمت جویی، حرص، طمع، خشم، حسد، تکتاژ و تفاخر همگی دستمایه‌های اصلی سیاست پسا حقیقت‌اند. بازیگران سیاست پسا حقیقت این هنر را دارند که بار سنگین مسئولیت اخلاقی و مدنی را از روی دوش خود و مردم بردارند و عذاب وجدان بابت شکست‌ها و ناگامی‌ها را از ذهن و روان مردم بزایلند، همه گامی‌ها و کوتاهی‌های خود را به گردن دشمنان بیندازند. هندوا نه‌های درشت زیر بغل مردم بگذارند، وعده بهیشت می‌کوشش را به آنها بفروشند و رای آنها را بخرند. خیال توده‌ها را صبح با شیپور جنگ به سوی قله‌های پرافتخار پوشیده از آسیاب‌های بادی گسیل کنند و شب با سرود پیروزی به بستر آرایش بفرستند.

۴. سیاست پسا حقیقت سیاه‌چاله‌ای است که می‌تواند با گرانش عظیم خود ما را به اعماق خود فرو بیلعد. اگر خیرخواهانه و مسئولیت‌شناسانه و حقیقت‌جویانه به خود بیاییم، کم‌بیشدر در اعماق این سیاه یی‌پایان سرنوشت محتوم ما ایرانیان نیست. اراده سیاسی و کنشگری مدنی و عاملیت انسانی نیرویی راهی‌اندیش دارد، اگر با ساز سیاست حقیقت (politics of truth) هم‌نوا شود. داستان آن کودکی که به صرافت طبع معصوم خود، علی‌رغم بازیگری همگانی، فریاد می‌زند که پادشاه عریان است، تمثیلی است که به لب لباب سیاست حقیقت از آشکار می‌کند. در این داستان، لباس پادشاه نماد باورهای دروغ ولی مسلط و شکوهمند و ترین‌یاخته و پشت‌کرم به قدرت است. سیاست حقیقت شیوه‌ای است که حقیقت را نه فقط در گنوش‌کرم می‌گوید بلکه آن را دورور بر مردم در میان می‌گذارد، خیر جامعه و حکومت را از خوشی مردم و حاکمان گرامی‌تر می‌شمارد. از عواطف و احساسات مثبت مردم ششمعی بر می‌گیرد تا چراغ کنش عقلانی معطوف به خیر عمومی را روشن کند و با خرد جمعی و با جان و با آبروی خود، این چراغ را در مصاف تذبذب پسا حقیقت پاسداری می‌کند. راستش را می‌گوید حتی اگر راست و دروغ از هم قابل تشخیص نباشند. دروغ نمی‌گوید، حتی اگر دروغ را فقط به طعم شیرین و دلخواه و هم‌نواایی‌اش با منافع قدرت بشناسند و نه به حیانتش به واقعیت انسان و نه به نیروی ویرانگرش که چیزی از خیر عمومی و اعتماد اجتماعی و بافتار جامعه باقی نمی‌گذارد. و راستش را می‌گوید حتی اگر راست را فقط به وزوز خرمنگس‌وار و مزاحم و تلخی بی‌تاب‌کننده‌اش بشناسند، نه به وفاداری‌اش به واقعیت انسان و نیروی سازنده‌اش برای کشف و حذف خطا و تأمین خیر عمومی و بازسازی اعتماد اجتماعی و ترمیم بافتار ازهم‌گسیخته جامعه و حکومت.

۵. انتخابات پسرور پی‌نجره امیدی است برای همه کسانی که هنوز راست و دروغ از هم تشخیص می‌دهند و راستی را بر صدر می‌نشانند و روان و اراده خود را از عواطف و احساسات منفی می‌پالایند تا بتوانند چراغ کنش عقلانی را با شعله‌ای از عواطف و احساسات مثبت انسانی روشن کنند، خیر عمومی و بلندمدت را از امیال خصوصی و منافع کوتاه‌مدت خود برتر می‌نشانند و راه جامعه و سیاست را برای فرزندان و آیندگان هموار و خوش‌فرجام می‌خواهند و می‌سازند.

۶. تفاوت مسعود یزیشکیان با دیگر نامزدها به اندازه تفاوت سیاست حقیقت با سیاست پسا حقیقت است. گویی یک سو، پرژشکی متعهد به قسم طیبات ایستاده و پیمان بسته و نشان داده است که راستش را می‌گوید و به قدر دانش و تجربه خود در چارچوب وجدان اخلاقی سخن می‌گوید و وعده گراف نمی‌دهد و لاف نمی‌زند و گویی دیگر سو، مدعیان طب گیاهی نشسته‌اند که تنها اصل راهمائی آن‌ها به زبان فرهنگ کوچک همان ضرب‌المثل قدیمی است که…

نگاهی به گیشه سینمای ایران در آستانه ورود به ۳ ماه دوم سال

رونق به سینما برگشته است؟



بهناز شیربانی

دور از ذهن نیست وقتی آمار فروش گیشه سینماها در سه ماه ابتدایی سال را مرور می‌کنیم، نام فیلم‌های کم‌دی در بالای جدول فروش جلب توجه کند. مدت‌هاست که سینماداران از اکران فیلم‌های کم‌دی استقبال می‌کنند و دلیل اقبال آنها چیزی نیست جز اینکه همین فیلم‌ها مخاطب را ترغیب می‌کند تا راهی سینماها شوند و بعضا برخی ترجیح می‌دهند به دفعات این فیلم‌ها را در سالن‌های سینما ببینند. فارغ از اینکه برخی از این آثار کم‌دی فاقد کیفیت قابل قبول هستند و در بسیاری از مواقع ممکن است مخاطب علاقه‌مند به این گونه سینمایی را از انتخابش پشیمان کند، به هر جهت، این روزها گیشه در دست کم‌دی‌هاست. هرچند که در این‌میان اندک فیلم‌هایی از ژانرهای دیگر سینمایی توانستند مخاطب قابل توجهی را با خود همراه کنند. بر کسی پوشیده نیست که سینمای ایران به تنوع فیلم‌ها در اکران نیازمند است. مخاطبی که انتخابش فیلم‌های غیرکم‌دی است، گزینه‌های محدودتری در اختیار دارد، با این حال به نظر می‌رسد فروش قابل توجه فیلم‌های غیرکم‌دی، از ابتدای سال تاکنون می‌تواند نویدبخش این موضوع باشد که در ادامه اکران‌های سینما، فیلم‌های متنوع‌تری به نمایش گذاشته شود. طبق آمار، فروش سینمای ایران در خرداد ۱۴۰۳ به بیش از ۱۷۰ میلیارد و ۹۲۳ میلیون تومان رسید و بیش از دو میلیون و ۹۷۱ هزار نفر در این ماه به سینما رفتند. در این میان فیلم‌های سینمایی «تگراس ۳» یا فروش بیش از ۹۶ میلیارد و ۷۸۸ میلیون تومان، «جالت نکش ۲» با فروش بیش از ۲۴ میلیارد و ۱۷۴ میلیون تومان، «مست عشق» با فروش بیش از ۱۷ میلیارد و ۳۵۱ میلیون تومان، «مصاحح خونی» با فروش بیش از ۱۱ میلیارد و ۵۰۸ میلیون تومان، «سال گریه» با فروش بیش از هشت میلیارد ۷۸۷ میلیون تومان، «بی‌بدن» با فروش بیش از سه میلیارد ۳۰۱ و «میلیون تومان، «عطرآلود» با فروش بیش از دو میلیارد و ۶۱۶ میلیون تومان، «قله‌بک» با فروش بیش از یک میلیارد ۹۲۲ میلیون تومان و «آسمان غرب» با فروش بیش از یک میلیارد و ۹۰۶ میلیون تومان رتبه‌های اول تا نهم و فروش‌های میلیاردی جدول فروش خرداد ۱۴۰۳ را به خود اختصاص دادند. همچنین فیلم‌های «الیلا جست‌وجوی قهرمان» با فروش بیش از ۹۸۵ میلیون تومان، «آبی روشن» با فروش بیش از ۵۰۹ میلیون تومان، «آپاراتچی» با فروش بیش از ۱۳۳ میلیون تومان، «نیلگون» با فروش بیش از ۸۲ میلیون تومان، «نوروز» با فروش بیش از ۵۵ میلیون تومان و «کوجه زاپنی‌ها» با فروش بیش از ۲۵ میلیون تومان در رتبه‌های دهم تا پانزدهم جدول فروش خرداد ماه قرار گرفتند.

این‌نشانه رونق سینماست
امیرحسین علم‌الهدی کارشناس سینما درباره وضعیت گیشه سینما در سه ماه نخست سال به «شرق» گفت: «شاخص‌ها از نظر کمیت نشان می‌دهد در سه ماه نزدیک به ۹ میلیون نفر سینما رفتند که نشانه خوبی است. اگر با همین روش پیش برویم تا پایان سال از ۳۰ میلیون نفر هم رد خواهد کرد. معمولاً سینما از کل به جزء می‌رسد یعنی چه مقدار مخاطب؟ چند فیلم؟ و در نهایت چقدر فروش؟ و این نشانه رونق سینماست. اما تجربه نشان داده که به هر حال کم‌دی‌ها چه نزدیک به دو سال گذشته و ۱۰ سال گذشته یا حتی سه دهه گذشته همیشه سردمدار فروش‌های بالا بودند و الان هم این موضوع در حال تکرار است. امسال به نسبت سال گذشته وضعیت سینمای اجتماعی کمی بهتر است، اگر «مست عشق» و «بی‌بدن» را در این ژانر ببینیم. همچنان به اعتقاد من زنجیره‌ای که باید رضایت همه را در اختیار بگیرد، سینمای مستقل است. سینمایی که عمدتاً سعی دارد روی پای خودش بایستد. همچنان عدم مشخصه بحث فروش یا نمایش سینمای مستقل همان حلقه مفقوده‌ای است که هنوز نتوانسته‌ایم برای آن راه‌حل جدی پیشنهاد بدیم». او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «سازمان سینمایی طرحی به اسم «گروه سینمایی فرهنگ» را راه‌اندازی کرده که در ادامه باید گامی چگونه می‌خواهد از سینمای فرهنگی دفاع کند. گویا همچنان مشکل اصلی در پروانه ساخت و نمایش این فیلم‌هاست. بحث نمایش و چگونگی مراقبت از فیلم‌های مستقل همچنان محل ایراد اساسی به سیاست‌های کلان سازمان سینمایی است و باید دید دولت جدید با چه رویکردی با سه میدان می‌گذارد و آیا می‌تواند برای بحث سینمای مستقل راهگاری پیدا کند که آن نوع سینما هم بتواند سازوکار خودش را در حوزه تولید و نمایش دنبال کند و درآمذزایی خوبی هم داشته باشد و از بلیت‌فروشی ادامه حیات داشته باشد». علم‌الهدی درمورد اهمیت تشکیل «گروه سینمایی فرهنگ» گفت: «واقعیت این است که اصولاً دولت وقتی به حوزه تصدی‌گری ورود می‌کند،

»

نگاهی به سریال «در انتهای شب» به کارگردانی آیدا پناهنده

عشقی که در روزمرگی‌ها گم شد

فرزانه‌متین

ضعیف و متزلزل بهنام روبه‌رو می‌شود و حالا خود را در گودال روزمرگی‌های زندگی می‌بیند. او بعد از جدایی، بلافاصله از کارش که از سوی بهنام تحمیل شده بود، دست می‌کشد و به دنبال کار جدیدی است. در اینجا فیلم به ما می‌گوید چقدر خوب است که قد بستیم از پشت نقاب. بهنام با رفتن ماهی دچار کمبود شده که البته این حس را هم در زمانی که با ماهی زیر یک سقف زندگی می‌کرد، داشت اما علناً بعد از جدایی به این عقده و کمبود اشاره می‌کند. او بعد از طلاق، خود را گم کرده و نمی‌داند چه می‌خواهد. در واقع یک زنی می‌خواهد که برایش مادری کند نه مختص زندگی مشترک نیست. بهنام از شغل خودش به عنوان کارشناس زیاسازی بافت شهری هم ناراضی است. او بر خلاف ظاهرش مردی است فاقد جذابیت شخصیتی و مردانگی، بیش از ۴۰ سال دارد، اما رانندگی بلد نیست و فرارگفتش در کنار زنی مستقل و قوی باعث شده کاراکترش ضعیف‌تر از قبل باشد. مردی فراموش‌کار و حواس‌پرت که به قول ماهی: «اگر در شهر ولت کنم، گم می‌شوی» مردی که هنوز کلید خانه را پشت در جا می‌گذارد. بهنام، ماهی را به عنوان محبوب و همسرش نمی‌بیند، بلکه او را مادری می‌بیند که باید و نباید‌های روزمره را برای او تکرار می‌کند. این کارمند به‌سئوه‌آمده، رمقی برای ادامه زندگی مشترک علی‌رغم دوست‌داشته‌اش نمی‌بیند. مردی که به گفته خودش ذهنش آشفته و شلخته است. نمی‌تواند منظور خودش را رک و راست بیان کند و زمانی که بعد از جدایی، با زن همسایه (ثریا) عقد موقت می‌کند، در چشمانش کلی حرف هست که ثریا از او می‌خواهد همه چیز را بیان کند. این نقطه قوت یک زن است که این مسائل را می‌بیند و با راحتی از آن نمی‌گذرد. این همان چیزی بود که ماهی به ضعف شخصیتی بهنام، آن را نادیده می‌گرفت یا حتی نمی‌دید. در شخصیت پردازی ماهی که با صبر و حوصله به آن پرداخته شده، می‌بینیم بعد از جدایی، ماهی به خودش می‌رسد، موهایش را رنگ می‌کند، لباس‌های زیبا بر تن می‌کند و… و تا آنکه به یاد می‌آورد باید خودش را دوست داشته باشد. او بعد از طلاق در پاسخ به پرسش پدرش که دردت چه بود که جدا شدی؟ جمله عمیقی می‌گوید: «می‌خواستم همسرش باشم نه مادرش». چرا ماهی عاشق در زندگی مشترک احساس تبارش قید معبودش را می‌زند و حاضر می‌شود دوباره به خانه پدری بازگردد؟ اگر بخوایم حداقل با خودمان روراست باشیم، باید گفت ماهی برای به دست آوردن بهنام، خود واقعی‌اش را عوض کرد و نقاب زد اما به تدریج نه ماهی بلکه هرکسی که این‌گونه زندگی کند، یک شاخه دو طرف مدیگر را دوست ندارند و از ما می‌خواهند ببینیم شده در طلاق کدام یکی مقصرت‌ر است. اما «در انتهای شب»، ردای عشق بین بهنام و ماهی همچنان پابرجاست. اما نوع نگاه‌شان به

اخبار برگزیده

نمایش فیلم تئاتر «زمستان ۶۶»

در سینما تک‌خانه هنرمندان ایران
فیلم تئاتر «زمستان ۶۶» به کارگردانی محمد یعقوبی در سینما تک‌خانه هنرمندان ایران به نمایش درمی‌آید و پس از آن، نقد و بررسی می‌شود. شانزدهمین برنامه از سلسله جلسات نمایش فیلم تئاترهای شاخص با همکاری مشترک انجمن صنفی منتقدان، نویسندگان و پژوهشگران خانه تئاتر و سینما تک‌خانه هنرمندان ایران به نمایش فیلم تئاتر «زمستان ۶۶» اختصاص دارد. فیلم تئاتر «زمستان ۶۶» (محصول ۱۳۷۶) به نویسندگی و کارگردانی محمد یعقوبی، چهارشنبه ۴ تیر ماه ۱۴۰۳ ساعت ۱۷ در سینما تک‌خانه هنرمندان ایران به نمایش درمی‌آید.

پس از نمایش این فیلم تئاتر نشست نقد و بررسی‌سی آن با حضور عباس غفاری (میزبان) و فرزانه ابراهیم‌زاده (منتقد تئاتر) برگزار می‌شود. «زمستان ۶۶» نمایش‌نامه‌ای از محمد یعقوبی است که به موضوع جنگ ایران و عراق می‌پردازد. این نمایش در سال ۱۳۷۶ برنده بهترین کارگردانی از جشنواره تئاتر فجر شد. «زمستان ۶۶» در سال ۱۳۷۶ در سالن چهارسو (تئاتر شهر) به روی صحنه رفت. «زمستان ۶۶» روایتگر رویدادهایی است که در یک خانواده در اولین روز موشک‌باران تهران در اسفند سال ۱۳۶۶ رخ می‌دهد. موشک‌باران تهران مسائل و مشکلات جدیدی برای اقشار خانواده به وجود می‌آورد که اختلافات پیشین آنها را به حاشیه می‌راند.

فیلم پنجم «پلیس بورلی هیلز» هم در راه است

مهرداد ۳۰ سال پس از «پلیس بورلی هیلز ۳» و ۴۰ سال پس از اکران اولین فیلم از این مجموعه، ادی مورفی، جاج رینهولد و جان اشتون برای پنجمین بارگشته‌اند. رینهولد پنجمین به در اولین اکران فیلم بورلی هیلز گفت: ما می‌خواستیم از اولین فیلم به عنوان یک الگو استفاده کنیم و می‌دانستیم باید خیلی خوش‌شانس باشیم تا به آن سطح برسیم. شنی که هر سه ما در ماشین فیلم جدید بودیم، اولین باری بود که پس از سال‌ها همدیگر را دیدیم. ما دو بلوک از مرکز شهر و بلوک اصلی سال ۱۹۸۴ فاصله داشتیم و مثل این بود که از جایی که کار را ترک کرده بودیم، داشتیم دوباره ادامه می‌دادیم. او افزود: گروه اصلی بازیگران از جمله پل رابز و برونسون پینچوت، در طول سال‌ها در تماس بوده‌اند و او به‌ویژه به مورفی نزدیک بوده است. در طول تور مطبوعاتی فیلم، مورفی اعتراف کرده که متوجه تفاوت در ساخت یک فیلم اکشن در دهه ۲۰سالگی عمر با ۲۰سالگی در زمان ساخت اولین فیلم شده است، اما کارگردان در این بازیگر ادعا کرده من نزدیک بود او را بکنم، اما من فقط می‌خواستم همه چیز در برابر دوربین درست باشد و افزود: این معنی از ادی می‌خواستم کارهای زیادی انجام دهد که او نمی‌خواست انجام دهد، اما در نهایت این کار را کرد. او اهل بازی است، همیشه این‌طور بوده است، ولی یادآوری می‌کرد، می‌مرد، فقط سن من یادت باشد! فیلم اصلی که ۴۰ سال پیش اکران شد، به موفقیت بزرگی دست یافت و سه فیلم بعدی را به دنبال داشت که حالا چهارمین فیلم مجموعه است با عنوان «پلیس بورلی هیلز: اسکال اف» از ۳ جولای در نتفلیکس پخش می‌شود. خالقان این فیلم در حال حاضر به فکر فیلم پنجم هستند و مورفی با تأیید این امر گفت در حال توسعه ایده هستند و اگر همه دوباره جمع شوند، فیلم بعدی هم در کار خواهد بود.

جری بروکهایمر تهیه‌کننده هم با تأیید افزود: چند داستان در ذهن داریم. در «پلیس بورلی هیلز: اسکال اف»، اسکال فولی پس از تهدید زندگی دخترش (با بازی تیلور پیچ) به بورلی هیلز بازمی‌گردد و با دوست سابق او با بازی جوزف کوردون-لوت و دوستان قدیمی‌اش جان تاکارت (اشتون) و بیلی رزوود (رینهولد) همراه می‌شود. ساخت فیلم چهارم چندین دهه معطر بوده، اما هرگز فیلم‌نامه مناسبی وجود نداشت. رینهولد گفت وقتی جری بروکهایمر که دو فیلم اول را تهیه کرد، درگیر ماجرا شد احساس کرد که این بار ممکن است ساخت فیلم واقعا اتفاق بیفتد. نتفلیکس از اظهار نظر درباره فیلم احتمالی پنجم خودداری کرد.